

گفت‌وگویی خواندنی با پیر یانولو پازولینی،
کارگردان فقید سینما، درباره‌ی فیلم کوتاه

برشی بسیار خرد از زندگی

«پیر یانولو پازولینی» شاعر، کارگردان و نویسنده‌ی ایتالیایی، از برجسته‌ترین هنرمندان و روشنفکران قرن بیستم بود. پازولینی در ۱۹۲۲ در بولونیا به دنیا آمد. وی از فیلمسازان نسل دوم سینمای بعد از جنگ ایتالیا بود که علاوه بر فیلمسازی، در نوشتن رمان، شعر و نقدهای سینمایی و فرهنگی نیز دست داشت. سینمای پازولینی آمیزه‌ی از شعر، استعاره، اسطوره‌شناسی، روانشناسی و دیالکتیک است. وی فعالیتش را در سینما با نوشتن فیلمنامه‌ی «شبهای کابیریا» برای «فدریکو فلینی» آغاز کرد. فیلم «انجیل به روایت من» ساخته‌ی پازولینی تا کنون زیباترین و غیرمتعارف‌ترین روایتی بوده که از زندگی عیسی مسیح (ع) در سینما ارائه شده است. تمام این فیلم با بازیگران غیرحرفه‌یی و در لوکیشن‌های بدیع و خیره‌کننده فیلمبرداری شده است. بسیاری از فیلم‌های پازولینی اقتباس‌هایی مدرن از آثار کلاسیک ادبی جهان‌اند که با تأویل ویژه‌ی وی ارائه شده‌اند؛ آثاری چون «اودیپ شهریار»، «مدها»، «دکامرون»، «حکایت‌های کانتربوری» و «داستان‌های عشقی هزار و یک شب». آخرین فیلم پازولینی قبل از مرگش، فیلمی بود با نام «سالو» و «۱۲۰ روز در سودوم» که وی فیلمنامه‌ی آن را با کمک «رولان بارت» بر اساس داستان غریب «مارکی دوساد» نوشت و بیاتیه‌بی است علیه فساد اخلاقی فاشیسم ایتالیا. پازولینی نه تنها فیلمسازی برجسته، بلکه نظریه‌پرداز معتبر در سینما و شاعری بزرگ نیز بود. مقاله‌ی سینمای شعر وی که در ژوئن ۱۹۶۵ در نخستین جشنواره‌ی فیلم پزارو قرائت و در اکتبر ۱۹۶۵ در نشریه‌ی «کایه دو سینما» منتشر شد، یکی از مهم‌ترین مقالاتی است که درباره‌ی ماهیت شعر گونه‌ی سینما و زیبایی‌شناسی آن نوشته شده و از اعتبار آکادمیک و تحلیلی بسیاری برخوردار است. پازولینی در ۱۹۷۵ در اوستیا در نزدیکی رم به دست یک جوان به قتل رسید. بسیاری معتقدند که قتل وی مشکوک و به دلیل انگیزه‌های سیاسی بوده است. پیر یانولو پازولینی به‌مانند بسیاری از هم‌تایان خود، سینما را با فیلم کوتاه آغاز کرد و در این حیطه به تجربیات بکری دست یافت؛ تجربیاتی که به اعتقاد وی بسیار ارزشمند بودند و در هیچ مدرسه‌یی آموزش داده نمی‌شوند. آن چه در زیر می‌خوانید ترجمه‌ی یکی از گفت‌وگوهای است که در اوایل دهه‌ی ۶۰ با پازولینی صورت گرفته است. پازولینی در این گفت‌وگو به تفصیل درباره‌ی فیلم کوتاه و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن سخن گفته است. البته نباید فراموش کرد که بسیاری از دیدگاه‌های پازولینی صرفاً نظر شخصی وی بوده و شاید از نظر آکادمیک چندان قابل استناد نباشند!

مهسا پوربختیار



روایت یک برش خاص از یک
وضیعت است که این برش می‌تواند
ذهنی یا عینی باشد این نوع آثاری
کارگردان است که تشخیص دستار
کنار روش برای آثار روایت داستانی
استادان دارند

آیا میان روند ساخت فیلم کوتاه و فیلم بلند تفاوت‌های بنیادی وجود دارد؟ خیر. از نظر سلسله مراتب اجرایی، در هر دو گونه ابتدا مضمون قرار دارد و بعد از آن فیلمنامه، دکوپاژ و در نهایت فیلمبرداری و تدوین، اما اصلی‌ترین تفاوت بین این دو نوع فیلم در مقوله‌ی مضمون خود را نشان می‌دهد. یعنی انتخاب مضامین در این دو گونه متفاوت است؟

ببینید، فرم داستانی همواره از مضمون تبعیت می‌کند و همیشه در آغاز، مضمون انتخاب شده و مطابق مضمون، فرم تعیین می‌شود. تفاوت فیلم کوتاه با فیلم بلند هم در تفاوت فرم است. فرم در فیلم کوتاه به مراتب بیش‌تر از فیلم بلند مطرح است، به علت این که وقایعی که در پیرامون ما اتفاق می‌افتند، امکان تبدیل به فیلم کوتاه را دارند ولی امکان تبدیل به فیلم بلند را ندارند. به این معنا که با احتساب تنها یک‌سری جزئیات می‌توان فیلم کوتاه ساخت اما در ساخت فیلم بلند هم باید به جزئیات و هم به فرآیند توالی جزئیات توجه کرد... همین‌طور است؛ فیلم کوتاه می‌تواند برشی بسیار خرد از زندگی باشد، در حالی که در فیلم بلند داستانی غالباً باید چند برش مختلف را در کنار هم قرار دهیم. به این ترتیب به فیلمنامه‌ی فیلم کوتاه هم باید کاملاً متمایز از فیلم بلند نگاه شود.

دومین مورد در فیلم کوتاه بعد از تعیین فرم، فیلمنامه است. وقتی مضمونی به ذهن ما می‌رسد به دکوپاژ فیلم کوتاه نزدیک‌تر است و قابلیت زیادی برای فیلم کوتاه شدن دارد تا فیلم بلند، چون در فیلم کوتاه قرار است بین ۵ تا نهایتاً ۳۰ دقیقه قصه گفته شود.

در نتیجه تعداد پلان‌ها پایین‌تر می‌آید... بله؛ در فیلم کوتاه نماهای زیادی وجود ندارد و بسیاری از پلان‌های واکنشی که در فیلم بلند مطرح است حذف می‌شود، چرا که اگر حذف نشود دیگر فیلم کوتاه نخواهیم داشت.

این همان مسئله‌ی است که از آن با عنوان تفکیک پلان یاد می‌شود! تفکیک پلان در فیلم کوتاه بیش‌تر از فیلم بلند اهمیت دارد، چون با همین تفکیک پلان‌هاست که کارگردان خواهد توانست به راحتی بخش‌های مختلف اجرای فیلمش را به نمایش بگذارد. آیا برای ساخت فیلم کوتاه یا به عبارت بهتر برای نگارش فیلمنامه‌ی آن باید سبک روایی خاصی را دنبال کرد؟

نحوه‌ی روایت هم در فیلم کوتاه مهم است و هم در فیلم بلند و بیش از آن چگونگی آغاز روایت است که در هر دو گونه اهمیت دارد؛ هرچند شاید ورود به داستان در فیلم کوتاه مهم‌تر هم باشد، چرا که شما باید طوری مخاطب را وارد داستان کنید که هم فیلم برایش جذابیت داشته باشد و هم هیچ ابهامی در ذهنش شکل نگیرد. روایت آغازین به چه صورت یا صورت‌هایی می‌تواند باشد؟ روایت، یک برش خاص از یک وضعیت است که این برش می‌تواند ذهنی یا عینی باشد. این توانایی کارگردان است که تشخیص دهد از کدام روش برای آغاز روایت داستانش استفاده کند.

خود شما معمولاً چه زمانی از روایت عینی استفاده می‌کنید؟ من خودم را به جای تماشاگر فیلم می‌گذارم و بعد به این فکر می‌کنم که در صورتی که با یک رخداد عینی فیلم را ببینم لذت بیش‌تری خواهم برد یا وقتی که تجلی ذهنیات قهرمان را ببینم.

خیلی‌ها معتقدند که برای ساخت فیلم کوتاه نیاز به ایده‌ی خاصی نداریم و با استفاده از یک ایده‌ی ساده هم می‌توان فیلم کوتاه ساخت!

این اعتقاد از پایه نادرست است. آن کسی که چنین اعتقادی دارد به هیچ وجه هنرمند نیست، چرا که هنر وسیله‌ی است برای به نمایش گذاشتن یک ایده‌ی ذهنی خیلی خاص که حداقل ده نفر دیگر از آن آگاهی نداشته باشند. بر همین اساس آن چه که برخی‌ها به زعم شما در مورد فیلم کوتاه می‌گویند چندان بنیان محکمی ندارد.

با این حساب برای ساخت فیلم کوتاه حتماً باید ایده‌ی نویی در ذهن داشت! درست است که فیلم کوتاه می‌تواند برشی بسیار ریز از زندگی ما باشد اما این

موضوع دلیلی بر این نیست که در پس این برش ریز هیچ ایده‌ی وجود نداشته باشد. به نظر من حتی اگر قصد دارید به عنوان یک تازه‌کار یا صرفاً برای یادگیری و آشنایی با ابزار سینمایی فیلم بسازید، بهتر آن است که بر مبنای یک ایده‌ی درست یا به عبارتی یک مفهوم نوین فیلم بسازید حتی اگر فیلمتان از نظر تکنیکی کار جالب توجهی نباشد.

چه عواملی در ایجاد درست یک ایده نقش دارند؟

باید محدودیه‌ی که ایده‌تان با آن درگیر است را تعیین کنید. این محدوده حتی می‌تواند شرایط آیینی حاکم بر محل زندگی شخصیت اصلی فیلمتان را شامل شود. بعد از تعیین محدوده‌ها باید تمام فکر و تأمل خود را معطوف به این محدوده‌ها کرده و آرام‌آرام روایت داستانی‌تان را پی بگیرید.



وقتی مضمونی به ذهن ما می‌رسد به دکوپاژ فیلم کوتاه نزدیک‌تر است و قابلیت زیادی برای فیلم کوتاه شدن دارد تا فیلم بلند، چون در فیلم کوتاه قرار است بین ۵ تا نهایتاً ۳۰ دقیقه قصه گفته شود

فیلم‌های کوتاه غالباً کم‌شخصیت هستند؛ چرا؟

ببینید، در فیلم کوتاه فرصت پرداختن به قصه‌های فرعی وجود ندارد به همین علت هم به تعدد شخصیت نیازی نیست، چرا که اگر بیست بازیگر در فیلم باشند برای پرداختن به هر کدام از آن‌ها حداقل دو دقیقه زمان نیاز است که از حوصله‌ی فیلم کوتاه خارج است.

ریتم روایی فیلم کوتاه باید سریع‌تر از فیلم بلند باشد؛ این‌طور نیست؟ صددرصد؛ در صورتی که ریتم فیلمتان بیش از اندازه طولانی و کشدار شود مخاطب نخواهد توانست با فیلم ارتباط برقرار کند. البته باید به این موضوع هم توجه داشته باشید که سرعت روایت داستانی‌تان آن قدر زیاد نباشد که بسیاری از وقایع در سطح رها شوند.

آخرین مرحله‌ی ساخت فیلم کوتاه، تدوین است. آیا نسبتی میان تدوین فیلم کوتاه یا ریتم آن می‌تواند وجود داشته باشد؟

تدوین نسبت دقیقی با ریتم و برش فیلم کوتاه دارد و باید طوری باشد که برای تلفیق تصاویر در ذهن تماشاگر فرصتی ایجاد کند ■